

كليات تحقيق

فرهنگ ایران اسلامی فرهنگ غنی و پر باری برای موضوعات مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. این فرهنگ در طول تاریخ شاهد فراز و نشیب های فراوانی بوده که گاهی روند و حرکت تصاعدی داشته است و گاهی به دلایل مختلف سیر نزولی به خود گرفته است. در هنگامی که حرکت آن تصاعدی بوده، فرهنگ و تمدن خود را به رخ جهانیان کشیده است و علمای بزرگ در سایه این فرهنگ به جهانیان معرفی شدند که بعد از گذشت هزار سال از زمان آنان هنوز مایه افتخار ایران اسلامی و جهان بشریت می باشند. بیداری اسلامی که از زمان مامون با تاسیس دارالحکمه در بغداد آغاز شد در دوران بعد با حمایت حاکمان بلاد دیگر اسلامی خصوصاً ایرانیان ادامه یافت تا تمدن و فرهنگی متفاوت از سایر اعصار به جهانیان معرفی کنند. اوج این بیداری فکری و فرهنگی را در قرن چهارم و هم زمان با روی کار آمدن آل بویه شاهد هستیم. به گونه ای که بعد از روی کار آمدن سلسله های دیگر در جهان اسلام هرگز آن دوره تکرار نشد. تحول فرهنگی را اگر چه خلفای عباسی آغاز کردند اما تحت تاثیر قرار گرفتن آنان توسط اهل حدیث عاملی شد تا در خاموشی آن نیز سهیم باشند، و رکود علمی را در جهان اسلام باعث شدند. روی کار آمدن خاندان آل بویه در قرن چهارم و حمایت آنان از دانشمندان و انتخاب افراد دانشمند برای اداره حکومت موجب تحول عظیم علمی در جامعه شدند. به گونه ای که بیداری فکری که در دوره آل بویه بوجود آمد، از بیداری فکری اروپای قرن شانزدهم هم بالاتر بود که تا قرن ها بعد، این فرهنگ و تمدن دیگر بوجود نیامد. کرم دلیل برتری رنسانس اسلامی نسبت به رنسانس اروپایی را این می داند که این تحول در تمام زمینه های علمی بود است، در صورتی که در رنسانس اروپایی این تحول در زمینه ادبیات بیشتر بوجود آمد. در این بیداری فرهنگی دانشمندان زیادی به جهان اسلام معرفی شدند و برخی از آنان شهرت جهانی یافتند. ابوعلی سینا و فارابی، تحول عظیمی در جهان طب و فلسفه

بوجود آوردند و نامشان جهانی و ابدی گشت. برخی از دانشمندان اسلامی در قرن چهارم پای به میدان علم نهادند اما به دلایل مختلف، ناشناخته و گمنام باقی ماندند یا به خوبی معرفی نشدند. ولی افکار و نظرات این دانشمندان گمنام زمینه ساز حوادث بزرگی بعد از خود شدند، آنان در جهت رشد علوم اسلامی حرکت کرده، و برخی در جهت خاموشی این علم گام برداشتند. ابوحیان توحیدی از جمله این افراد است که شخصیت او هم چنان در پرده ابهام می باشد، اما انتشار افکار و نظرات او در جامعه اسلامی دست آویزی برای انسان های متعصبی شد که افکار افراطی خود را توجیه نمایند. اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در زمان روی کار آمدن خاندان آل بویه به گونه ای بود که خیلی از مردم از وضعیت موجود ناراضی و منتظر یک تحولی در جامعه خود بودند. اوضاع جامعه به سمتی حرکت کرد که آمدن خاندان آل بویه اجتناب ناپذیر می نمود. وضعیت اقتصادی خیلی از مردم مناسب نبود و حتی با آمدن خاندان آل بویه و علی- رغم تلاش خیلی از بزرگان آنان در جهت بهبود وضعیت مردم، چندان مفید واقع نشد و نتوانستند توفقی در حرکت روبه نزول اقتصادی جامعه آن روز به وجود آورند ولی نتوانستند آن را کند کنند. آل بویه شیعه مذهب بودند و توحیدی سنی مذهبی بود، که در دوره حاکمیت آنان بر جهان اسلام زندگی می کرد، توحیدی از لحاظ فکری و عقیدتی نتوانست خود را با این خاندان هماهنگ کند. به همین دلیل کتاب مثالب الوزیرین را در ذم و طعن بزرگان آل بویه مانند ابن العمید پدر و صاحب بن عباد نوشت. او در جهت مبارزه فرهنگی و فکری با مذهب شیعه اقدام به جعل برخی روایات از صدر اسلام نمود و تحریفاتی را در برخی روایات بوجود آورد. با نوشتن مطالب دروغین سعی کرد تا خلافت ابوبکر را برحق نشان دهد که مورد قبول حضرت علی(ع) نیز واقع شده است. او در جهت مبارزه با فرقی که دارای تمایلات شیعه بودند، مانند اخوان الصفاء مطالبی را در رد آنان نوشته، آنها را بدعت گزاران در دین اسلام معرفی می کند. مبارزه با علم فلسفه و کلام و انتشار نظرات و افکار او و هم مسلکانش در

جامعه اسلامی در دوران بعد مستمسکی شد تا اهل حدیث به شدت با این گونه علوم مبارزه کنند. وضعیت علم کلام در دوره بعد از آل بویه به گونه ای شد که جزء علوم ظاله به حساب می آمدند. انتشار افکار توحیدی و همفکران او در مذمت علم فلسفه و کلام زمینه ساز خاموشی چراغ علم را در جهان اسلام در دوران بعد را فراهم کرد به گونه ای که تعصبات فکری آنان از عوامل عقب ماندگی علمی جامعه اسلامی نسبت به دیگر جوامع شد. بهترین راه برای شناخت شخصیت توحیدی بررسی آثار اوست. چرا که نظراتش در این آثار به خوبی منعکس است.

طرح مسئله

هارون قبل از مرگ قلمرو حکومتی خود را میان فرزندانش مامون و امین تقسیم کرد و این مقدمه ای برای ایجاد اختلاف و درگیری میان مامون و امین بر سر کسب خلافت بود. اعراب به امین گرایش داشتند و ایرانیان جانب مامون را گرفتند. همین امر سبب بروز جنگ میان دو برادرگردید که نتیجه آن پیروزی مامون را به هم راه داشت. بعد از روی کار آمدن معتصم، خلیفه جهت رهایی از سلطه اعراب و ایرانیان به ترکان متمایل شد و مناصب عالی لشکری و کشوری را به آنان سپرد. ترک ها با اصول کشور داری بیگانه بودند و همین امر ویرانی قلمرو عباسیان را در برداشت. ترکان به مرور زمان بر خلیفه تسلط یافته و او را مجری اوامر خود کردند، خلیفه را بازیچه خود نمودند. یک نوع بی نظمی در قلمرو عباسیان حاکم شد و مقدمه انحطاط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را بوجود آورد. به گونه ای که در اواخر قرن سوم سیر سقوط عباسیان و تنزل اقتصادی و اجتماعی آنان کاملاً مشهود بود، حاکمان عباسی توان بهبود اوضاع را نداشتند و مردم منتظر منجی بودند که آنان را از این وضعیت نجات دهد. هرکس در بخشی از این سرزمین دست به قیام می زد، مردم به امید نجات خود به او می پیوستند. با قیام آل بویه مردم به آنان به چشم یک منجی نگریسته و حتی خلیفه عباسی به منظور رهایی

از دست ترکان از این قیام استقبال کرد. با روی کار آمدن آل بویه اگر چه امیران با کفایتی چون معزالدوله و عضدالدوله اقدامات فراوانی جهت آبادانی قلمرو خود کردند اما عمیق بودن این خرابی ها از یک طرف و بی توجهی پادشاهان بعد از عضدالدوله نسبت به آبادانی قلمرو خود از طرف دیگر نتوانستند سیر سقوط اقتصادی و اجتماعی را مانع شوند ولی توانستند در مقاطعی حرکت آن را کند نمایند. حمایت خاندان آل بویه از علم و علم آموزی زمینه ای شد تا دانشمندان بزرگی در سایه حمایت آنان به جهان اسلام معرفی شوند. مکاتب و مناظرات علمی مختلفی در قلمرو آنان برقرار بود، عالمان از ادیان و مذاهب مختلف در این مجالس شرکت می کردند و به مبادله معلومات می پرداختند. افراد با آزادی کامل عقاید و نظرات خود بیان می کردند. همین امر عاملی شد تا بعضی از علمای اهل سنت در سایه این تساهل به بیان عقاید خود و مبارزه با برخی علوم اقدام نمایند. نظرات همین افراد در دوره های بعدی زمینه خاموشی چراغ علم را فراهم کرد. با روی کار آمدن سلجوقیان که در مذهب تسنن متعصب بودند، اینان با برخی علوم مانند فلسفه به شدت مبارزه کردند و زمینه را برای افول علوم عقلی آماده و مهیا ساختند.

سوال اصلی

۱- اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان ابوحیان چگونه بوده است؟

۲- اصول اعتقادی ابوحیان توحیدی چه بوده است؟

۳- موضع ابوحیان توحیدی نسبت به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان خود چگونه بوده

است؟

سوالات فرعی

۱-۱ - آیا دولت آل بویه در ایجاد شوق و نشاط علمی تاثیر داشته است؟

Page | ۶

۲-۱ - آل بویه چه نقشی در گسترش علم در قرن چهارم داشتند؟

۱-۲ - نظر ابوحنیفان درباره علم فلسفه و کلام چه بود؟

۲-۲ - نظر ابوحنیفان توحیدی درباره مذهب شیعه و حضرت علی (ع) چیست؟

۳-۲ - چرا ابوحنیفان با دخالت فلسفه در دین مخالف بود؟

۱-۳ - مذهب چه نقشی در بدبینی ابوحنیفان نسبت به وزیران آل بویه داشت؟

۲-۳ - دلایل بدبینی ابوحنیفان توحیدی نسبت به حاکمان آل بویه چه بود؟

فرضیه های اصلی:

۱- در این دوره به علت این که آل بویه به تازگی بر دستگاه خلافت عباسی چیره شده بودند از لحاظ سیاسی و اجتماعی اوضاع، آشفته ای بوجود آمد. این خاندان به علت حمایت از علم یک تحول بنیادین در زمینه فرهنگی بوجود آوردند.

۲- ابوحنیفان شافعی مذهب بوده و با هر گونه تفکر عقلانی در امور دین مخالف بود.

۳- ابوحنیفان در دوره ای می زیست که از نظر تحول علمی، دوره ی عظیمی در جهان اسلام بود. او از تساهل و تسامح بوجود آمده در این دوره استفاده کرد و در جهت مخالفت با تفکر عقلانی موضعی خصمانه در پیش گرفت.

فرضیه های فرعی:

- ۱-۱- دولت آل بویه علم را از حالت اختصاصی به طبقه ای خاص خارج کرده و در میان عموم جامعه خصوصاً طبقات پایین گسترش دادند.
- ۱-۲- توحیدی معتقد است که طالبان علوم فلسفه و کلام گمراه هستند و کسانی که به این علوم گرایش دارند از جرگه مسلمانان خارج می باشند.
- ۲-۱- دولت آل بویه به علت اعتقادات مذهبی خود و حمایت از افراد دانشمند خصوصاً انتخاب دانشمندان به عنوان وزیر و توجه به مجالس و مکاتب علمی باعث گسترش علم در سراسر قلمرو خود نمودند .
- ۲-۲- ابوحنیفان مذهب شیعه را یک مذهب ساختگی دانسته و شیعیان را روافض می خواند، و منزلت امام علی (ع) را نسبت به تعدادی از اصحاب در مرتبه ای پایین قرار داده است. و بر جانشینی ابوبکر بعد از پیامبر تاکید می کند.
- ۲-۳- توحیدی در امور دینی به طور کامل مخالف بوده و اعتقاد داشت که محدوده ی این علوم در اموری مانند: اجرام آسمانی و سحر و جادو می باشد.
- ۳-۱- ابوحنیفان به علت این که حاکمان آل بویه شیعه مذهب بودند و بر ولایت علی بن ابی طالب تاکید داشتند و مروج علوم عقلی می باشند مخالف بود.
- ۳-۲- توحیدی در جامعه ای زندگی می کرد که دانشمندان از ارزش و منزلت خاصی برخوردار بودند ولی توحیدی به علت اعتقادات خاصی که داشت مورد توجه وزیران شیعه مذهب آل بویه قرار نگرفت. و همین عامل باعث بدبینی او نسبت به وزیران شد.

هیچ پژوهش علمی و تاریخی به شکل مستقل که به معرفی شخصیت ابوحیان پرداخته باشد صورت نگرفته است. در عصر حاضر محققانی در مورد او به تحقیق پرداختند و کتابهایی در جهت معرفی او نوشته اند، اما هیچ کدام از این پژوهش ها به دلایل مختلف مانند عدم آشنایی با نظرات و افکار او، و یا عدم اطلاع از کتاب هایش تعریف جامعی از او ارائه ندادند. دکتر مراد- مرادیان از اولین پژوهش گرانی است که در عصر حاضر اقدام به نوشتن و معرفی ابوحیان در کتاب بررسی در آثار و احوال ابوحیان توحیدی را کرده و او را فردی بی تعصب در امور مذهبی و آزاد اندیش دانسته که به علت بی تدبیری امرای آل بویه در امور مملکت به فلاکت گرفتار شد. از نویسندگان عرب محمد علی الصباح کتابی با عنوان «ابوحیان التوحیدی» کرده و در این کتاب تنها به گمنام بودن او و بی تعصب بودن او در امور مذهبی اشاره کرده و او را فردی فلسفی دانسته که در پایان به کتاب های او اشاراتی کرده است. از پژوهشگران دیگر می توان به علیرضا ذکاواتی قراغزلو اشاره کرد که تحت تاثیر دکتر مرادیان به آزاد اندیش بودن توحیدی اشاره دارد. پژوهشگر دیگر آقای قاسمعلی کوچنانی است که در پایان نامه دکتری خود، ابوحیان را از لحاظ مذهبی، فردی بی تعصب می داند و او را انسانی میانه رو و آزاد اندیش بدون هیچ گونه گرایشی به گروه خاص معرفی می کند. از بین پژوهشهایی که در جهت معرفی ابوحیان انجام شده و تا حدودی شخصیت واقعی او را معرفی کرده است جوئل کرم می باشد. او کتابی با نام «احیای فرهنگی در عهد آل بویه» دارد که در آن توحیدی را ادیبی دانسته که در مجالس علمی آن روز شرک می کرده و آن ها را در کتابهای خود به تصویر می کشیده است. او در این زمینه توحیدی را در مقام گزارشگر مشکوک و مظنون می داند که گاه به تحریف مطالب پرداخته است.

فایده ی پژوهش و اهمیت موضوع :

اهمیت این پژوهش ناظر بر جنبه های کاربردی آن است که می توان از آن به طور اعم در مجامع علمی و دانشگاهی، و به طور اخص برای کسانی که در زمینه بررسی شخصیت های علمی و دانشمندان مسلمان به تحقیق می پردازند مفید واقع شود. اهمیت دیگر این تحقیق به دلیل وجود خلاء پژوهشی در این زمینه است، چرا که هیچ کدام از پژوهش ها و تحقیقاتی که انجام گرفته به بررسی دقیق شخصیت توحیدی اقدام نکرده اند. به همین دلیل در این پژوهش در صدد هستیم با استفاده از منابع موجود و قابل دسترسی به معرفی بهتر این شخصیت بپردازیم. با توجه به این که نوشته های توحیدی و نظرات او مورد توجه خیلی از دشمنان اسلام واقع شده و آن ها را مستمسکی برای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان قرار داده اند، در این پژوهش سعی شده با ارائه اسناد، دلایلی جعلی و تحریفی بودن نوشته های ابوحیان را نشان دهیم.

اهداف تحقیق :

هدف مستقیم این تحقیق پاسخ گویی به سوال اصلی است و این که چه عواملی باعث شده است که خاندان آل بویه علی رغم تسلط بیش از یک قرن بر خلافت عباسی نتوانستند از سیر نزولی قدرت عباسیان را مانع شوند و هم چنین نظرات و عقاید ابوحیان درباره علم فلسفه و کلام را بیان نماییم. هدف غیر مستقیم و بلند مدت پژوهش این است که بتوان با مطالعه منابع گوناگون به جعلی بودن برخی نظرات توحیدی درباره امام علی (ع) اشاره کنیم و علل موضع گیری او را در این باب مورد بررسی قرار دهیم.

با توجه به اهمیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در مقام گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است. اولین گام در این گردآوری اسناد و مدارک استفاده از منابع دسته اول است. در مرحله دوم: دسته بندی اطلاعات بدست آمده، مرحله سوم پالایش اطلاعات و مطالعه دقیق آن ها است. مرحله چهارم جمع بندی، نقد مطالب و نوشتن آن ها است .

سازمان دهی تحقیق :

این پژوهش در چهار فصل سازمان دهی شده است. در فصل اول تحت عنوان « بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و دینی» می کوشیم تا موقعیت سیاسی و اجتماعی آل بویه و اقتصاد آنان را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین تلاش شده است تا وضعیت فرهنگی و علمی این دوره و نقش آل بویه در گسترش علم را بررسی کنیم. و نقش مذهب را در این دوره را بیان کنیم. در فصل دوم با عنوان «زندگی ابوحیان» به بررسی شخصیت این دانشمند پرداخته شده است. در فصل سوم با عنوان « آراء و نظرات و آثار ابوحیان» به بررسی نظرات ابوحیان در باب علوم فلسفه و کلام اشاره می کنیم. و آثار او را مورد بررسی قرار می دهیم. و در فصل چهارم با عنوان « نظر ابوحیان در باب دانشمندان و وزراء آل بویه» عقیده ابوحیان درباره دانشمندان و وزراء آل بویه را نشان می دهیم.

تحقیقاتی که در زمینه معرفی ابوحیان صورت گرفته است به دو دسته تقسیم می شود. یک دسته شامل تحقیقاتی است که سعی نویسندگان آن ها بر این بود تا توحیدی را دانشمندی فلسفی مرام و آزاداندیش معرفی کنند. این گونه محققان در خیلی از نوشته های خود سعی کردند تصویر مثبتی از او نشان دهند، هر چند بعضی از آنان در پاره ای موارد او را به یک سری منفیاتی موصوف کردند مانند یاقوت در معجم الادباء.

دسته دیگر منابعی هستند که اکثراً سعی نویسندگان آن ها بر این بود تا ابوحیان را انسانی متعصب در مذهب نشان داده و او را کافر بدانند این افراد با خواندن نوشته های توحیدی تهمت کافر بودن و زندیق به او زده اند مانند ابن جوزی و ذهبی که معتقد هستند، ابوحیان دشمن خدا است و یا ابن ابی الحدید که مردم را از خواندن نوشته های او بر حذر می دارد.

می توان گفت که شخصیت توحیدی ناشناخته بوده و هست و تمام کسانی که در مورد او مطالبی نوشته اند تنها براساس برداشتی بوده که از کتاب های او بدست آورده اند. بنابراین در این تحقیق درصدد آن نیستیم که بگوییم می توان او را به طور کامل برای خوانندگان نوشته خود معرفی کنیم بلکه در صدد آن هستیم تا این شخصیت علمی جهان اسلام را بیشتر بشناسیم. منابعی که در مورد او مطالبی نوشته اند عبارتند از:

۱- کتاب تجارب الامم

۲- کتاب الکامل

۳- کتاب معجم الادباء

۴- کتاب لسان المیزان

۵- کتاب طبقات الشافعیه

کتاب تاریخ الکامل ابن اثیر

این اثر معروفترین کتاب ابن اثیر متوفی به سال «۶۳۰ هجری» است که در برگیرنده حوادث تا سال ۶۲۸ هجری می باشد. هدف ابن اثیر، نوشتن تاریخی جامع و مدون درباره اخبار و احوال عموم بشر خاصه مسلمانان بوده است تا طالبان علوم از مراجعه به کتب دیگر بی نیاز باشند. به همین دلیل کتاب او خیلی از حوادث تاریخی را تا سال ۶۲۸ هجری را در بر می گیرد. این کتاب حوادث تاریخی را بر مبنای سال شماری تنظیم گردیده و آن چه که اهمیت آن را افزون کرده، این است که برخی وقایع در آن ذکر شده که کمتر در کتاب های دیگر به آن توجه شده است.

کتاب تجارب الامم

این کتاب توسط ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب متولد سال (۳۲۰ هجری) نوشته شد. این کتاب که تاریخ انسان را در بر می گیرد با نخستین پادشاهان شروع می شود. کتاب در شش جلد و به زبان عربی نوشته شده است و تا پایان مرگ عضالدوله را شامل می شود. آن چه که تاریخ مسکویه را چشم گیر نشان می دهد این است که وی تاریخ خود را در کمال بی-طرفی نوشته است و چنان که مارگلیوٹ نیز اشاره می کند، وی در خدمت امیران و وزیران آل بویه بوده و از نزدیک ایشان را می شناخت، ولی آنان را نمی ستاید، و در بیان حوادث کاملاً بی طرف است. او بد و خوب پادشاهان آل بویه را به تصویر کشیده است. مسکویه در نوشتن کتاب خود از تواریخ مهم مانند تاریخ طبری و تاریخ ابن سنان متوفی به سال (۳۶۰ هجری) در درجه اول استفاده کرده و در مرحله بعد از منابع بی شمار تاریخی که در کتابخانه های آل بویه موجود بود استفاده برده است. هم چنین نامه های ارسالی که شامل دستورات حاکمان برای زیر دستان بوده را از نزدیک دیده و بر اساس این شواهد کتاب خود را نوشته است.

کتاب تاریخ قفطی

این کتاب توسط جمال الدین ابوالحسن علی قفطی که در سال (۵۶۰ هجری) به دنیا آمد و در سال (۶۴۶ هجری) وفات یافت نوشته شد. قفطی مورخ و از رجال حکومتی ایوبی بوده است. از بزرگترین کتاب دوستان در عالم اسلام بود. خیلی از فضلا و علماء از جمله یاقوت حموی از حمایت او بهرمنند بودند. معروف ترین اثر او همین کتاب تاریخ قفطی است. این کتاب منبع بسیار خوبی برای شناخت خیلی از علماء و گروه هایی که در دین اسلام مانند اخوان الصفاء بوجود آمدند می باشد.

کتاب تاریخ عسقلانی

این کتاب توسط شهاب الدین احمد بن علی بن محمود بن احمد بن حجر العسقلانی متولد سال (۷۷۳ هجری) و متوفی به سال (۸۵۲ هجری) نوشته شد. عسقلانی از لحاظ صحت در بیان احادیث به لقب امیرالمومنین معروف است. این کتاب بهترین توضیح در باب صحیح بخاری است. اهمیت کتاب در بیان توضیحات سالم و صحیحی است که در بیان حوادث و قایع تاریخی داشته است.

کتاب المعجم

این کتاب توسط یاقوت حموی متولد سال (۵۷۴ هجری) است نوشته شده است. او جغرافی دان و تاریخ نویس مشهور قرن هفتم هجری است. این کتاب به زبان عربی و در هیجده جلد نوشته شده است. او همراه خانواده اش به اسارت مسلمانان در آمد و سپس به عنوان یک اسیر به تاجری فروخته شد. یاقوت در سال (۶۲۶ هجری) در بازگشت به حلب در بین راه به علت بیماری درگذشت. عمده تالیفات او در تاریخ و جغرافیا است. یاقوت در این کتاب شرح

حال خیلی از رجال علمی جهان خاصه مسلمان را در کتاب خود آورده است. یاقوت دو گونه کتاب نوشته، یکی کتاب هایی که بر حسب حروف الفباء نوشته شده، و دیگری کتاب هایی که بر این گونه نیستند. یاقوت را باید از نویسندگانی به حساب آورد که در نوشته هایش تا حدودی تعصب مذهبی را دخیل داده و سعی کرده که خیلی از بزرگان و علمای اهل سنت را با نگاهی مثبت گرایانه به خوانندگان کتاب خود معرفی کند. مثلاً یاقوت در مورد ابراهیم ابن محمد ثقفی که از علمای شیعه بوده، و جزء اهل ثقه می باشد و او را به عنوان یکی از مشاهیر شیعه معرفی می کند، به دلیل همین تعصبات معتقد است که او از جباران زمان خود است.^۱

فصل اول: بررسی اوضاع ، سیاسی،

اجتماعی ، فرهنگی و دینی آل بویه

۱-۱- بررسی وضعیت سیاسی آل بویه

یکی از بهترین راههای شناخت یک دوره تاریخی، بررسی نحوه پیدایش، گسترش و پیشرفت و علل ضعف و سقوط آن دوره است. بنابراین برای شناسایی دوره فرهنگی و علمی آل بویه و بررسی وضعیت دانشمندان آن دوره، باید ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و مذهبی آن دوره را مورد بررسی قرار دهیم.

قرن سوم و چهارم دوره ی ضعف خلفای عباسی است. و علل این ضعف ریشه در درون این خاندان داشت. اگر چه از هارون به عنوان قدرتمند ترین خلیفه عباسی یاد می کنند، ولی این خلیفه سنگ بنای تجزیه این خاندان و ضعف آنان را بنا نهاد. او با تقسیم قلمرو اسلامی میان فرزندان خود زمینه تکه تکه شدن خلافت را فراهم کرد. این رسم که توسط خلفای بعد از او نیز ادامه پیدا کرد دو پدیده متناقض را در پی داشت: پدیده ای که به متمرکز کردن حکومت و حفظ یکپارچگی قلمرو اسلامی تاکید داشت، و پدیده ای که برای جدایی منطقه زیر نفوذ خود تلاش می کرد و از اوضاع سیاسی آشفته برای جدایی و رسیدن به اهداف خود استفاده می کرد، که این کار به پیروزی گرایش جدایی طلبان منجر شد و زمینه را برای برپایی حکومت های مستقل فراهم کرد. افزون بر این حکومت عباسیان از ابتدای تاسیس خود، بذر جدایی را به صورت نهفته در درون خود داشت. حکومت بنی امیه که بر پایه معرو بیت پایه گذاری شده بود و به غیر عرب به چشم حقارت نگاه می کرد، به هنگام شروع قیام عباسیان اقوام غیر عرب به امید رهایی از سلطه اعراب یا به امید برابری بر اساس احکام اسلامی در این قیام شرکت کردند. عباسیان نیز برای پیروزی در این قیام و رسیدن به اهداف خود به تقویت این شعوبی گری در میان اقوام غیر عرب نیاز داشتند، همین اقوام بعد از پیروزی، در دوره های بعدی به فکر ایجاد حکومت هایی مستقل از خلافت عباسی افتادند. به همین منظور از همان ابتدا در فکر جدایی از عباسیان بودند. حرکت ابومسلم خراسانی و سرکوب او در این راستا

صورت گرفت. در دوره های بعد، این تحرکات ادامه داشت و به موفقیت‌هایی دست یافت. این اقوام بعد از پیروزی دوستی خود را با خلیفه حفظ می کردند و قدرت معنوی او را می پذیرفتند. عدم نظارت دقیق خلفای بعدی عباسی بر مناطق دور دست که توسط ترکان اداره می شد موجب سوء استفاده ترکان در امر حکومت و ایجاد هرج و مرج در بین اجتماعات مردم شد. در ادامه، دخالت ترکان به گونه ای بود که در برنامه ریزی عالی سیاسی برای حکومت دخالت می کردند و در توطئه ها بر علیه خلیفه شرکت فعال و مستقیم داشتند.

فرماندهان و سرداران بزرگ سپاه برای راضی کردن خلیفه همواره مالیات را افزایش می دادند و در گرفتن آن سخت گیری کردند تا ظلم و ستم فراوانی صورت گرفت. مردم همواره انتظار کسی را می کشیدند تا ظلم را رفع و اوضاع اقتصادی آنان را بهبود بخشد به همین دلیل هرکس در گوشه ای از این سرزمین با استفاده از اوضاع اقتصادی و اجتماعی دست به قیام می زد، مردم گرد او جمع می شدند و او نیز پس از پیروزی، اعلام جدایی می کرد. اداره امور مملکت از دست خلفای عباسی خارج شده بود. در سال ۳۳۴ هجری که معزالدوله به بغداد حمله کرد خلیفه عباسی از آمدن او اظهار خوشحالی نمود. مسکویه می نویسد «مستکفی از آمدن امیر احمد بن بویه خشنود و راضی بود و گفت: من پنهان شدم تا ترکان بر من تکیه نکنند و قدرت شان فرو ریزد و احمد بن بویه بی رنج پیروز گردد»^۱. مسکویه در تجارب الامم خود گزارش بسیار مفصلی از آن دوره می دهد، و وضعیت اجتماعی و سیاسی آن دوره را برای خوانندگان خود ترسیم می کند. او در مورد مالیاتی که از مردم می گرفتند می نویسد «مالیات ها نیز سنگین شده تا آن جا که بازرگانان از بغداد می گریختند و ویرانی و فساد افزایش یافت. دزد زدگی فراوان شد تا آن جا که چون دزدگیر می فتاد، پیش از آن که به دست

۱ تجارب الامم ج ۶ ص ۱۱۸

دولت افتد مردم او را می گشتند.»^۲

کرمر معتقد است: نا امنی زندگی و زیستن در لبه پرتگاه و بدبختی درحقیقت از خصایص جامعه های قدیم است که رو به رو شدن با آن در دوره ی مورد بحث ما نیز جای تعجب ندارد.^۳ علاوه بر مشکلاتی که حکومت برای مردم بوجود آورده بود گویی طبیعت نیز بر این خاندان خشم گرفته بود، چرا که قحطی و خشکسالی، نیز فشار را بر مردم بیشتر می کرد. مسکویه در توصیف قحطی که در سال (۳۳۴هجری) در قبل از ورود معزالدوله به بغداد روی داد، رقت بار بودن زندگی و مشقتی که در زندگی این دوره وجود داشت و بدبختی هایی که مردم متحمل شدن را برای خوانندگان کتاب خود به تصویر می کشد. او از نبودن حداقل قوت برای سیر شدن، روی آوردن مردم به خوردن اجساد مردگان و علف صحرا و لاشه حیوانات در کتاب یاد می کند. آن گاه مسکویه به توصیف مردگانی می پردازد که در کنار جاده ها و شهرها از فرط گرسنگی بر زمین افتاده و مرده اند و کسی نبود که این اجساد را به خاک بسپارد. نکته قابل توجه در این دوره نبودن احساس امنیت، ترس از بیماری های واگیردار که بر اثر اجساد دفن نشده بوجود آمده بود. جنگهایی که ایالات مختلف برای کسب آزادی از دستگاه خلافت انجام می دادند، نا امنی را بیشتر می کرد.^۴ تجارت بر اثر نا امنی و وجود راهزنان در راهها از بین رفت. عملاً یک نوع وحشت را برای ساکنان این مناطق بوجود آورده بود. بی کفایتی عباسیان و بی تدبیری ترکان باعث شد تا مشکلات اضاف گردد و وضعیت را روز به روز بدتر کرد. دوران، دوران شبیه قرون وسطی است، و ارزش یک انسان به پایین ترین حد خود رسیده است. فاوور مورخ هلندی، این دوران را با دوران قرون وسطی دارای تشابهاتی می داند می نویسد: این

۲- همان ج ۶ ص ۱۱۷

۳- احیای فرهنگی در عهد آل بویه ص ۵۵

۴- تجارب الامم ج ۲ ص ۹۶

زندگی «بویی آمیخته از خون و گل» داشت. ۵. آل بویه منجیانی بودند که مردم منتظر آمدن آن‌ها بودند تا از گردابی که در آن افتاده اند نجات یابند، و حتی خلیفه عباسی انتظار این منجیان را می‌کشید. عباسیان قدرت خود را از دست داده اند و خیلی از حاکمان ولایت از آنان اطاعت نمی‌کردند، بهترین تعبیر را مسعودی مورخ مشهور در مورد آنان به کار می‌برد، و آنها را به ملوک الطوائف پس از اسکندر تشبیه می‌کند. ۶. در چنین شرایطی بود که فرزندان بویه ماهی‌گیر، حرکت خود را برای کسب قدرت آغاز کردند. آنان توانستند از سال ۳۲۰ تا سال ۴۴۸ هجری در قدرت بمانند. این خاندان در تاریخ به دیالمه معروف هستند. موسس این خاندان علی معروف به عمادالدوله است که در ابتدا به خدمت مرداویج در آمد و سپس به فرماندهی سپاه رسید. در ادامه عمادالدوله با همکاری دو برادر دیگر خود به نام‌های حسن معروف به رکن‌الدوله، و احمد معزالدوله توانستند بر قسمتی از قلمرو عباسیان دست یابند و آن را میان خود تقسیم کنند، و در ادامه چهارده تن از اولاد و اعقاب آن‌ها هر کدام در قسمتی از جنوب ایران و عراق حکومت کنند. ۷. آل بویه در ابتدای سده چهارم، و پس از، زمانی که جنبش‌های آزادی خواه و استقلال طلب بر علیه دستگاه حاکمه عباسی دست به قیام زدند، نقش خود را در تاریخ پر رنگ تر نشان دادند. دولتی با یک ایدئولوژی شیعی در سرزمینی که حاکمیت آن در دست سنیان بود، موجی جدید بر علیه خلافت عباسی بوجود آورد و خلافت را برای یک قرن دست‌نشانده خود قرار داد. مردم نیز به آل بویه به دید یک منجی نگاه می‌کردند و آنان را منجیانی تصور می‌کردند که می‌توانند آنها را از این زندگی فلاکت بار نجات دهند. یکی از دلایل موفقیت آل بویه و مقبولیت آنان در ابتدا به این دلیل است که خود از طبقات پایین اجتماع بوده و چون با طبقه رنج کشیده هم‌نوا شدند مردم به آنان پیوستند. اوج دوره آل بویه

۵- احیای فرهنگی در عهد آل بویه ص ۵۶

۶- مروج الذهب مسعودی ج ۲ ص ۳۷

۷- حیات علمی در عهد آل بویه ص ۴۳

در زمان فرمانروایی عضدالدوله است، هر چند بعد از مرگ او سیر سقوط این خاندان شروع شد. دوره عظمت آنها را می توان بین سالهای ۳۳۴ تا ۴۴۷ هجری دانست. بیشترین زمان حکومت آل بویه در فارس (بین سالهای ۳۲۲ تا ۴۴۷ هجری) است و پس از آن در عراق است. ۸ حکومت آنان در ری و همدان و اصفهان کوتاه تر از دو حکومت قبلی است و بین سال های ۳۳۴ تا ۴۲۰ هجری می باشد. یک شاخه از آل بویه در کرمان به حکومت رسیدند که اینان تابع حکومت فارس و عراق بودند. ویژگی های خاصی در دولت آل بویه وجود داشت که تا حدودی آن را از خیلی دولتهای دیگر متمایز می کرد. نکته اول این که آنها از خاندان گمنام، و از پایین ترین طبقه اجتماعی بودند که توانستند با اتکاء بر لیاقت و توانایی خود و بدون اتکاء به اصل و نسب و یا منزلت دینی و یا سیاسی به حکومت برسند. این ویژگی را می توان در یعقوب لیث صفار نیز یافت. یعقوب بعد از آمدن به شهر زرنج شاگرد یک رویگرد شد. ۹ نکته دیگر که در این خاندان به چشم می خورد اطاعت و فرمانبرداری است که کوچک ترها نسبت به بزرگ ترها در نسل اول این خاندان دیده می شود. آنان حتی زمانی که در مقام سلطنت بودند در مقابل پدر یا بزرگ تر خود با نهایت خضوع و خشوع رفتار می کردند. معزالدوله چون در ارجان به برادر بزرگش عمادالدوله رسید به خاک افتاد و زمین را بوسید و هر چه عمادالدوله کوشش کرد او را در برابر خود بنشانند ننشست و تا مدتی که در نزد وی بود صبح و عصر در مجلس او حاضر می شد و در برابرش می ایستاد. ۱۰ اما در نسل های بعدی دیگر شاهد پیوندهای برادری نیستیم و به گفته کرم «در نسل های دوم و سوم این خاندان عصبیت خانوادگی اولیه رو به زوال نهاد و کشمکش بر سر قدرت امری عادی شد. ۱۱

۸- تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه ص ۱۰۴

۹- تاریخ آل بویه ص ۲۵

۱۰- تجارب الام ج ۶ ص ۱۱۳

۱۱- احیای فرهنگی در عهد آل بویه ص ۷۳